

## پاسخ به پرسش‌ها و شبهات منتخب\*

### اشاره

فصلنامه پاسخ با توجه به رسالت مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه بر آن است تا یک بخش از نشریه را به درج تعدادی از پرسش‌ها و شبهات مطرح در موضوعات مختلف که در گروه‌های علمی این مرکز بررسی و پاسخ داده شده اختصاص دهد. در این بخش به اختصار حاصل برخی از این پژوهش‌ها برای استفاده پژوهشگران محترم و مخاطبان عزیز نشریه پاسخ ارائه می‌گردد.

### شبهه اول: برپایی عزاداری برخلاف دستورات دین اسلام است!؟

در آیات شریفه قرآن هیچ‌گونه دلالتی بر عزاداری و اظهار حزن و گریه و عزا بیان نشده است؛ در حقیقت می‌توان مدعی شد که عزاداری برخلاف دستورات دین اسلام است.

### پاسخ شبهه

پیش از پرداختن به بحث عزاداری از دیدگاه قرآن، لازم است به این نکته اشاره کنیم که اگر برای یک عمل و رفتار، دلیلی بر نفی یا اثبات آن وجود نداشته باشد، از نظر عقلی، نبود دلیل به معنای آن نیست که آن عمل یا رفتار، غیر مشروع است. چنان‌که از نظر شرع نیز روشن است که صرف نبودن استدلال، دلیل بر غیرمشروع بودن نیست و گرنه بایستی بسیاری از اعمال و رفتار مسلمانان که در صدر اسلام نبوده و پس‌از آن پدید آمده را

---

\*. گروهی از پژوهشگران مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه.

غیرم شروع دانست. علمای اصول می‌گویند اگر در مواردی که حکمش روشن نیست و از جانب شرع دلیلی بر اثبات یا نفی آن نیامده، اصل و قاعده برائت از حکم یا اصالة النفی به معنای استصحاب عدم حکم جاری می‌شود. چنان‌که قاعده معروف قبح عقاب بلا بیان، و آیات نفی عذاب بدون حجت، [۱] این اصل را تأیید می‌کند. برپایی مجالس در ایام میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بزرگان دین، یا برپایی مجالس عزا به‌ویژه در سالگشت شهدای کربلا، از مواردی است که می‌تواند مصداق این قاعده قرار گیرد. درعین حال ما درباره مراسم عزاداری، به بررسی قرآن و سنت می‌پردازیم تا اثبات یا نفی آن روشن شود.

شاید در اذهان بسیاری این پرسش مطرح شود که آیا قرآن کریم که خود جامع تمامی احکام و معارف و منبع شناخت دین است، از عزاداری و سوگواری سخن گفته است؟ و آیا در قرآن شاهد و قرینه‌ای بر اثبات یا نفی عزاداری و یا تقسیم عزاداری به انواع مختلف وجود دارد یا نه؟ در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مشروعیت؛ بلکه رجحان عزاداری و اقسام آن را اثبات می‌کند، که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

#### ۱. عزاداری. فریاد ستم‌دیدگان علیه ستمگران

«لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» (نساء: ۱۴۸)؛ «خداوند متعال فریاد زدن به بدگویی را دوست ندارد، جز برای کسانی که مورد ستم قرار گرفته‌اند».

در این آیه دو فراز وجود دارد. نخست می‌فرماید: «لَا يَحِبُّ اللَّهُ...» خداوند متعال بدگویی و افشای عیوب دیگران را دوست ندارد، جز کسانی که به حقوقشان تجاوز شده است که این‌گونه افراد استثنا شده‌اند. دوم: «إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» این فراز، هشدار است به همه ستمگران که خداوند متعال نه تنها به مظلومان اجازه فریاد و افشاگری داده؛ بلکه چنین فریادی، محبوب ذات اقدس الهی قرار گرفته است.

هرچند ظلم، دارای اقسام و مراتبی است مانند ظلم به نفس، ظلم به یتیمان و... اما بزرگ‌ترین مصداق ظلم، آن است که به حقوقی که خداوند برای برخی از افراد قرار داده است تجاوز شود. به عبارت دیگر خداوند برای برخی از افراد، حقی قرار داده و آن حق ولایت و امامت است. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵)؛ «به تحقیق سرپرست شما خدا و رسول خدا و کسانی هستند که به خدا گرویده و نماز را بپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند».

روشن است که تعدی به حق خدادادی، بزرگ‌ترین ظلم است، زیرا سایر ظلم‌های فردی و تجاوزات اجتماعی، از آن سرچشمه می‌گیرد، بنابراین ستیزه با حاکمیت ولی خدا، و سایر



ارزش‌ها، ظلم و ستمی بزرگ و نارواست. بی‌تردید امام حسین علیه السلام یکی از کسانی است که خداوند متعال حق ولایت و حاکمیت برای ایشان قرار داده است و یزید و یزیدیان جزو طاغوت‌اند و غاصب حاکمیت الهی؛ لذا نباید مسلمانان اطاعت آنها را قبول کنند؛ از این‌رو مردم کوفه در نامه‌های خود اظهار داشتند که ما ولایت معاویه و یزید را نمی‌پذیریم و شما هر چه زودتر به سوی کوفه بشتابید. آن حضرت با همه مشکلات و موانع موجود، به دعوت آنان پاسخ مثبت داده و به سوی کوفه حرکت کردند، اما دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام با تمام امکانات خویش در برابر حرکت الهی امام حسین علیه السلام ایستادند و با شهادت آن حضرت، خسارت و ظلم بزرگی بر پیکر امت اسلامی وارد ساختند، به‌گونه‌ای که آثار شوم آن حادثه هنوز به چشم می‌خورد.

آیا جامعه اسلامی در برابر چنین حادثه‌ای اندوه‌بار و غمناک که در آن فرزند نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به شهادت رساندند، باید دست روی دست گذاشته و سکوت نماید، یا وظیفه بسیار سنگینی بر دوش دارد؟ بر طبق آیه کریمه، باید فریاد برآورد و به افشاگری و بدگویی آشکار و رسوایی ستمگران پرداخت و چهره کثیف و زشت آنان را روشن نمود و با زبان شعر و مدیحه‌سرایی و بیان مصائب و گردهمایی‌های گسترده، براثت و بی‌زاری از دشمنان خدا را اعلان نمود. به‌طور یقین فریادها و عزاداری‌هایی که در این راستا باشد از مصادیق «جهر من القول» است که خداوند متعال آن را دوست دارد و عزاداری‌های پیروان اهل‌بیت علیهم السلام با این هدف مقدس انجام می‌گیرد و بایستی از هرگونه عزاداری که برخلاف این هدف مقدس باشد، جلوگیری شود.

## ۲. عزاداری و مودت اهل‌بیت علیهم السلام

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری: ۲۳)؛ قرآن کریم دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را بر امت اسلامی فرض دانسته و محبت آنان را پاداش زحمات طاقت‌فرسای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در راه ابلاغ رسالت قرار داده است و این خود حکایت از عظمت رسالت آن حضرت و بزرگی پاداش مقرر برای آن می‌کند. بدیهی است که کار بزرگ، پاداش بزرگی لازم دارد و این آیه پاداش چنین رسالتی را مودت نزدیکان و اهل‌بیت آن حضرت قرار داده است. عشق و دوستی، اثرات و لوازمی دارد، یار و دوست صادق کسی است که شرط دوستی را چنان‌که شایسته است بجا آورد. در غیر این صورت دوستی، زبانی و ظاهری خواهد بود. از نشانه‌های مهم دوستی آنان، همدردی و همدلی در سوگ و یا شادی آنان است. در

روایات فراوانی بر این نکته تأکید شده است که در جشن و سرور اهل بیت علیهم السلام شاد و در اندوه و ماتم آنان اندوهناک باشید و به راستی ابراز محبت در شادی‌ها و عزای‌های اهل بیت علیهم السلام از امتیازات پیروان مکتب آنان است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحْزَنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِيْنَا أَوْلِيَّكَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا» [۲].

خداوند متعال ما را از میان بندگان خویش برگزید و برای ما پیروانی انتخاب نمود که همواره در شادی و غم ما شریک‌اند و با مال و جان‌شان به یاری ما می‌شتابند، آنان از ما یابند و به سوی ما خواهند آمد.

امام رضا علیه السلام به پسر شیبیب فرمود: «إِنْ سَرَكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنْ لِحْزَنِنَا وَ افْرَحْ لِفَرَحِنَا وَ عَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لِحَشْرِهِ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» [۳]؛ «اگر دوست می‌داری که همنشین ما در بهشت برین باشی در غم و اندوه ما اندوهناک، و در شادی ما شادمان باش ولایت ما را بپذیر، چراکه اگر کسی سنگی را دوست بدارد روز قیامت با آن محشور می‌گردد»؛ از این رو مودت اهل بیت علیهم السلام که همانا پاداش ابلاغ رسالت خاتم پیامبران است طلب می‌کند تا با زبان گفتار و کردار، اشک و اندوه، مرثیه‌سرایی و لعن و نفرین بر قاتلان آنان در سوگ آن عزیزان اندوهناک بود و به یادآوری ویژگی‌ها و خصلت‌های الهی شهیدان پرداخت و بی‌تردید برپایی چنین مجالس و عزاداری‌هایی جز بیان حقایق چیز دیگری در بر ندارد.

### ۳. عزاداری و بزرگداشت شعائر الهی

«وَمَنْ يَعْظُمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲)؛ «بی‌شک تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی از دستورات اساسی دین اسلام است. مطلبی که مورد بحث علما واقع شده، آن است که مقصود از شعائر الهی چیست؟ شعائر در لغت به معنای علامت آمده است، شعائر - شعائر - جمع شعار یعنی علامت، و نیز به معنای ندا نیز آمده است. «وَ الْأَعْيُدُ شِعَارٌ شِعَائِرِ الْأِسْلَامِ». همچنین شعائر از شعیره به معنای علامت و اعلام حج و اعمال آن نیز آمده است [۴]. در مصداق شعائر اختلاف است:

۱. برخی گفته‌اند شعائر، قربانی حج است که علامت‌گذاری شده باشد.
۲. برخی دیگر عقیده دارند که شعائر، شامل تمام مناسک و اعمال حج است.

۳. گروهی می‌گویند شعایر موضع و جایگاه اعمال و عبادات حج است.  
۴. و گروهی دیگر اعتقاد دارند شعایر به معنای نشانه‌های دین و طاعت خداوند بزرگ است. [۵]

هرچند در روایات، شعایر به هر یک از سه معنای اول تطبیق شده است، اما عموم لفظ و معنای لغوی آن دلالت بر معنای چهارم دارد و آنچه در روایات بدان اشاره شده از مصادیق کامل شعایر الهی به‌شمار می‌آید؛ بنابراین مقصود از بزرگداشت شعایر الهی، بزرگداشت نشانه‌های دین و اطاعت خداوند و آیین ابراهیمی است که در اسلام تبلور پیدا نموده است و هر یک از مناسک حج علامت و مصداق کامل شعایر است، چنان‌که در آیات قرآن طواف، سعی بین صفا و مروه، رمی جمرات، قربانی و... هرکدام علامت و نشانه‌ای است که انسان را به سوی تقوا و درنهایت توحید خالص و ناب رهنمون می‌شود.

میان علامت‌های الهی و تقوای دل‌ها، رابطه خاصی وجود دارد. برخی از علمای شیعه و سنی به عمومیت و شمول شعایر، اشاره کرده‌اند که در اینجا دو مورد از آنها ذکر می‌گردد:

الف) صاحب جان هندی حنفی از علمای اهل سنت، در ذیل آیه مذکور می‌نویسد:  
«شعایر جمع شعیر به معنای علامت است و هرچه که از دیدن آن خدا به یاد آید، شعایر خداست و شعایر الله اختصاص به صفا و مروه ندارد. چنان‌که در کتاب «حجت الله البالغه» اثر احمدشاه ولی‌الله محدث دهلوی نقل شده است: بزرگ‌ترین شعایر و نشانه‌های خدا چهار چیز است: قرآن، کعبه، پیامبر و نماز. در کتاب «الطاف القدس» نیز آمده است که: محبت شعایر الله عبارت است از محبت قرآن، پیامبر و کعبه؛ بلکه هر چیز که به خدا منتسب باشد حتی اولیای خدا». [۶]

مولوی اسماعیل می‌نویسد: «تعظیم شعایر منعم، از فروع حب اوست؛ یعنی تمام اموری که مناسبت خاصی با او دارد به طوری که ذهن هر کس متوجه آن امور شود و به منعم متوجه گردد. مانند تعظیم نام، کلام، لباس، سلاح و حتی مرکب و مسکن او».

ب) ملأحمد نراقی از علمای شیعه می‌نویسد: «برخی از فقها و مفسران عقیده دارند که آیه دلالت بر عموم و شمول دارد. چنانچه این نظر پذیرفته شود تعظیم همه شعایر اگر واجب نباشد استحباب و رجحان دارد، زیرا شعایر، منسوب به خداوند بزرگ است» [۷].  
علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز شعایر را به معنای نشانه‌های عظمت و تقوای الهی دانسته و آن را منحصر به موارد خاصی نمی‌داند: «وَ الْأَشْعَائِرُ هِيَ الْعَلَامَاتُ الدَّالَّةُ وَ لَمْ يَقْبَدِ بِشَيْءٍ مِثْلِ

الْصَّفَاءَ وَالْمُرُوهُ وَغَيْرِ ذَلِكَ فَكُلُّ مَا هُوَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ وَآيَاتِهِ وَعَلَامَاتِهِ الْمَذْكُورَهُ لَهُ فَتَعْظِيمُهُ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ وَيَشْمَلُهُ جَمِيعُ آيَاتِ الْأَمْرِ بِالتَّقْوَى» [۷].

از این رو به طور عموم می‌توان استفاده نمود که هر زمان، یا در هر مکان، فعل یا عملی که یاد خدا و زمینه تقوا و رشد معنوی و روحی را فراهم آورد، در صورتی که در چهارچوب قوانین و دستورات اسلام قرار داشته باشد جزء شعایر الهی به‌شمار می‌آید. نماز، روزه و... هرکدام به نحوی از مصادیق شعایر الهی می‌باشند، بنابراین با توجه به دلایلی که عزاداری‌ها را مشروع دانسته، به طور مسلم مراسم عزا برای بندگان خاص خداوند که به حق قرآن ناطق و حج مجسم بودند و برای اعتلای کلمه توحید جان خود را قربانی ساختند از بارزترین نشانه‌ها و شعایر است. چراکه در این مراسم جز فراگیری مسائل دین و یادآوری شهامت‌ها و ایثارگری‌های شهیدان بزرگ اسلام، سخن دیگری طرح نشده و سخن از دشمنی با دشمنان خدا و دوستی با دوستان خدا گفته می‌شود و همان‌گونه که قربانی در عید قربان از سنت‌های اسلامی و از شعایر الهی به‌شمار می‌رود، یادآوری حزن‌آلود یاد قربانی کربلا و سایر قربانیانی که جان خود را در راه خدا قربانی نمودند از شعایر الهی خواهد بود. پس چگونه می‌توان گفت برپایی مجالس برای کسانی که در راه خدا و گسترش دین او شهید شده و جانبازی نمودند از شعایر الهی به‌شمار نمی‌آید؟ آیا یادآوری ایثارگری و اخلاص آنان، دل‌های عزادار را به سوی خداوند بزرگ رهنمون نمی‌سازد؟ بنابراین مسلمانان و موحدان، وظیفه دارند که این شعایر را حفظ کنند. عزاداری‌ها نیز در اقسام و صورت‌های مختلف هر یک به نحوی حافظ و نگهبان آن ارزش‌هاست.

#### ۴. سوگواری یعقوب علیه السلام در فراق یوسف علیه السلام

«يَا أَسْفَى عَلَى يَوْسُفَ وَأَبْيَضْتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» (یوسف: ۸۴)؛ «ای اندوه من بر فراق یوسف! و درحالی که اندوه خود را فرومی‌خورد، چشمانش از اندوه سفید شد.

حضرت یعقوب علیه السلام در جدایی فرزند خود دچار حزن و اندوه فراوانی گشت، به طوری که سالیان درازی در غم یوسف علیه السلام اشک ریخت تا دیدگانش سفید شد و بینایی خود را از دست داد. فرزندان یعقوب یعنی برادران یوسف، از بسیاری گریه و حزن پدر به ستوه آمده و گفتند: «قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يَوْسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَصًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ» (یوسف: ۸۵)؛ «به خدا سوگند - توای پدر - همیشه به یاد یوسف هستی و خاطره او را از یاد نمی‌بری و دست از او بر نمی‌داری، تا حدی که خود را مشرف به هلاک کنی!

این آیات، گریه طولانی حضرت یعقوب علیه السلام را از ویژگی‌های مهم زندگی آن حضرت یاد



کرده است چنان‌که برخی روایات نیز گریه فراوان یعقوب را به‌عنوان ویژگی خوب ایشان قلمداد نموده است.

زمخشری روایت کرده است که حضرت یوسف از جبرئیل مدت اندوه و گریه پدر را جویا شد، پاسخ داد: هفتادسال به طول انجامید و دربارهٔ پاداش گریه او سؤال کرد، پاسخ داد: پاداش گریه او برابر هفتاد شهید دارد [۸].

طبری دربارهٔ مدت زمان گریه حضرت یعقوب، از حسن بصری روایت کرده است: «کان منذ خرج یوسف من عند یعقوب الی یوم رجع ثمانون سنه لم یفارق الحزن قلبه بیکی حتی ذهب بصره و قال الحسن و الله ما علی الارض یومئذ خلیفه اکریم علی الله من یعقوب» [۹]؛ «از هنگامی که حضرت یوسف از نزد پدر بیرون رفت تا زمانی که مراجعه نمود هشتاد سال طول کشید و در این مدت همواره اندوه قلبی او را فراگرفته بود و گریه می‌کرد تا بینایی خود را از دست داد حسن بصری گفته است در آن روزگار در روی زمین خلیفه‌ای بزرگوارتر از حضرت یعقوب در پیشگاه خداوند متعال وجود نداشت».

از آیه‌ای که بدان اشارت شد چنین می‌توان نتیجه گرفت که گریه و اندوه هرچند سالیان درازی طول بکشد مانعی ندارد بلکه مشروع و از ویژگی‌های مثبت به‌شمار می‌آید. مؤید آنچه گفته شد تمسک و استدلال امام سجاد علیه السلام است که در پاسخ به کسانی که به گریه آن حضرت اعتراض می‌کردند، فرمود: «مگر شما از گریه و عزاداری یعقوب اطلاع ندارید؟ او سالیان طولانی در فراق یوسف گریست تا بینایی خود را از دست داد. در صورتی که فرزندش حیات داشت و تنها از جلوه چشمانش ناپدید شده بود اما من با چشمان خود دیدم که پدرم و هفده تن از اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را شهید کرده و سرشان را از تن جدا نمودند!» [۱۰].

با نظر به آیات و روایات مزبور، به‌راحتی می‌توان استنباط کرد برپایی مجالس عزای اقسام گوناگون عزاداری، نه‌تنها با قرآن مخالفت و ناسازگاری ندارد بلکه از مصادیق شعایر الهی، مودت اهل‌بیت علیهم السلام و مبارزه با ظلم و ستم است.

ممکن است کسی اشکال کند که این آیات مخصوص به موارد خاصی است و هیچ ربطی به عزاداری‌های یادشده ندارد و ارتباط آن با آیات روشن نیست.

در پاسخ باید گفت: قرآن کتابی است که دستورات آن مخصوص یک عصر و زمان خاصی نیست، اگر در آغاز نزول، موارد ویژه‌ای را نقل و بر موارد خاصی منطبق شده به

معنای آن نیست که مخصوص آن عصر یا آن مردم است؛ از این رو علما گفته‌اند حکم آیات را نمی‌توان منحصر به همان مورد ذکر شده در آیه نمود و هر جا موضوع آن محقق شود حکم نیز مترتب می‌گردد چنان‌که در بسیاری از احکام و موضوعاتی که پس از صدر اسلام پدید آمده، مراجعه به آیات قرآن، زمینه استدلال شده است. نظیر اثبات حجیت اجماع به آیه «وَمَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء: ۱۱۵). صرف نظر از اینکه، از آیه مورد اشاره، مسئله اجماع را می‌توان استنباط کرد یا نه، به طور یقین می‌توان گفت: در زمان نزول آیه مسئله‌ای به نام اجماع وجود نداشته است بلکه در زمان‌های بعدی به آن استدلال شده است. بر همین منوال می‌توان نمونه‌های بسیاری را جستجو کرد که در آنها به آیاتی این چنین استدلال شده است. در مسئله عزاداری نیز با توجه به ویژگی‌هایی که برای آن یادآوری شد به خوبی روشن می‌شود که عزاداری تا آن حدی که با اصول کلی اسلام و دستورات صریح آن مخالف نباشد، از مصادیق روشن این آیات به شمار آمده و ممدوح قرآن کریم است.

### شبهه دوم: ستایش اهل بیت علیهم‌السلام، مخالف معارف اسلامی!

قرآن کریم حمد را مخصوص خدا و حمد غیر او را شرک ورزیدن به او معرفی می‌کند؛ شیعیان با نادیده گرفتن این اصل مهم توحیدی، به مدح و ستایش اهل بیت، ثناگویی آنان و عزاداری برای بزرگان مذهبی خود می‌پردازند؛ در حالی که این الگوی رفتاری با معارف قرآن و سیره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ناسازگار است؛ از سوی دیگر روایات شیعه هم این رفتار شرک‌آلود را مردود می‌داند؛ علاوه بر این، مداحی کردن برای بزرگانی که از دنیا رفته‌اند، هیچ ثمره عقلایی و دینی، در پی ندارد!

### پاسخ شبهه

مداحی و عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، همسو با آموزه‌های دینی است و هیچ تناقض و تضادی با حمد خدا ندارد؛ مشروعیت و حتی استحباب عزاداری و مداحی بزرگان دین، یکی از باورهای غیرقابل انکار شیعه و اهل سنت است و قرآن کریم با مدح و تمجید از پیامبران و برخی از انسان‌های صالح و نیز با بیان گریه‌های حضرت یعقوب علیه‌السلام در فراق یوسف علیه‌السلام و...، مداحی و عزاداری را، تصریحاً و تلویحاً، تأیید کرده است؛ این الگوی رفتاری، موافق

سیره پیامبر ﷺ، ائمه اطهار علیهم‌السلام و مسلمانان است و در روایات شیعه و سنی نیز، مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است؛ آنچه در روایات اسلامی مورد نکوهش و تقبیح قرار گرفته، مدح انسان‌های فاسق و ستم‌کار و یا ستایش، با انگیزه‌های غیرالهی است!

#### ۱. هم‌سویی مداحی اهل بیت علیهم‌السلام با آموزه‌های توحیدی

مداحی و تمجید خداوند از پیامبران بزرگی مانند: ابراهیم خلیل، موسی کلیم، عیسی مسیح، سلیمان، یعقوب، زکریا، یحیی و... [۱۱] و نیز مدح و ثنای انسان‌های برجسته‌ای که پیامبر هم نبودند، مانند: اصحاب کهف و رقیم، لقمان حکیم، ذوالقرنین، خضر- و... [۱۲] همه بیان‌گر این است مدح و مداحی اگر از انسان‌های وارسته و نسبت به فضائل معنوی و اخلاقی باشد، نه تنها نکوهیده نیست؛ بلکه امری انسان‌ساز و تربیت‌کننده است؛ شیعیان بر همین اساس، به مدح و ستایش اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و انسان‌های بلندمرتبه تاریخ اخلاق و ایمان می‌پردازند تا هم زیبایی‌ها و جلوه‌های ارزشمند شخصیت آن‌ها را تکریم و بزرگ‌دارند و هم این الگوهای هدایت و شایستگی را به بشریت معرفی و راه را برای جامعه‌ای قرآنی و فضیلت‌مدار هموار سازند.

#### ۲. ستایش خصلت‌های معنوی و اخلاقی پیشوایان، پس از مرگ

قرآن کریم بارها افرادی را مورد مدح و ستایش قرار داده است که قرن‌ها پیش از نزول قرآن از دنیا رفته‌اند؛ اگر مدح گذشتگان، به سبب مرگشان، روا نباشد، همه آیاتی که در مدح آن‌ها نازل شده است، لغو خواهد بود! مداحی و ستایشگری، چیزی نیست جز بیان خصلت‌های نیک و باورهای پاک توحیدی و نیز تبیین وظایف افراد جامعه با الگوپذیری از بزرگان دین و اولیای الهی؛ زیرا خداوند، رفتار و کردار این افراد را پسندیده و برای همه انسان‌ها روشن ساخته که رضایت من در قبال انجام همین کارهایی است که بندگان وارسته من در طول تاریخ انجام داده‌اند.

#### ۳. مداحی پسندیده و مداحی ناپسند در روایات شیعه

در طول تاریخ همیشه قدرتمندان ستمگر و اهل باطل، افرادی را با تهدید یا تطمیع به مداحی خود وادار می‌کردند و شاعران و مادحان پول‌پرست و متملق هم حاکمان جور را به ناحق ستایش می‌کرده‌اند؛ چه بسیار شاعران و چاپلوسانی که برای خشنودی اهل باطل و تقرب به حاکمان ستمکار، افراد پلید و ناپاکی را مدح و افراد پاک و صالحی را مورد مذمت

قرار داده‌اند! اگر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه مداحان را مذمت کرده است، مقصود امام، به یقین، مداحانی بوده‌اند که به ناحق، افرادی را مدح و ستایش می‌کرده و زبان به چاپلوسی در برابر آن‌ها می‌گشوده‌اند [۱۳] وگرنه مداحانی که با انگیزه‌های پاک و الهی، انسان‌های خوب و باتقوا و بافضیلت را مدح می‌کرده‌اند، بارها مورد ستایش امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفته‌اند؛ نمونه آشکار چنین شاعرانی، حسان بن ثابت است که بارها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شعر می‌سرود و پیامبر نه تنها او را از این کار باز نمی‌داشت؛ بلکه تشویق هم می‌کرد و این مطلب در کتاب‌های معتبر اهل سنت نیز آمده است. [۱۴]

#### ۴. همسویی آموزه‌های قرآن با فرهنگ عزاداری

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مشروعیت عزاداری را اثبات می‌کند، از جمله:

##### الف) عزاداری حضرت یعقوب علیه السلام در فراق حضرت یوسف علیه السلام

نمونه عینی عزا و گریه در قرآن کریم، سوگواری حضرت یعقوب علیه السلام در فراق یوسف است که قرآن آن را نقل و تلویحاً تأیید کرده است؛ [۱۵] بنابراین عزاداری و گریه در مصیبت برگزیدگان الهی و اهل بیت علیهم السلام مورد تأیید قرآن کریم است.

##### ب) عزاداری، گونه‌ای فریاد تظلم ستم‌دیدگان از ستمگران

خداوند متعال صدا بلند کردن به بدگویی را دوست ندارد، جز برای کسانی که مورد ستم قرار گرفته‌اند: «لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» (نساء: ۱۴۸).

در این آیه دو فراز وجود دارد:

فراز اول: «لَا يَحِبُّ اللَّهُ»، خداوند متعال بدگویی و افشای عیوب دیگران را دوست ندارد!

فراز دوم: «إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» این فراز، هشدار است به همه ستمگران که خداوند متعال نه تنها به مظلومان اجازه فریاد و افشاگری داده؛ بلکه چنین فریادی، محبوب ذات اقدس الهی قرار گرفته است و عزاداری، چیزی نیست جز فریاد مظلومیت ائمه هدی و مصائبی که از گروه اشقیاء بر آن انسان‌های پاک سرشت و محبوب خداوند رفته است، در برابر بشریت و اثبات حقانیت آن‌ها!

##### ج) عزاداری نشان‌گر یاری و مودت اهل بیت علیهم السلام

خداوند متعال در آیه مودت: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری: ۲۳)؛ دوستی خاندان پیامبر ﷺ را لازم دانسته و محبت آنان را پاداش زحمت‌های طاقت‌فرسای او در راه ابلاغ رسالت قرار داده است؛ این امر حاکی از عظمت رسالت آن حضرت و بزرگی پاداش مقرر برای آن است!

امام علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنَا وَ أَخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا أَوْلِيَّكَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا» [۱۶]؛ «خداوند بلندمرتبه ما را از میان بندگان خویش برگزید و برای ما پیروانی انتخاب کرد که همواره در شادی و غم ما شریک‌اند و با مال و جانشان به یاری ما می‌شتابند؛ آنان از ما و به سوی ما خواهند آمد»!

#### د) عزاداری، بزرگداشت شعائر الهی

قرآن درباره تعظیم شعائر الهی می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲)؛ «و کسی که نشانه‌های (دین) خدا را بزرگ دارد، (به یقین کار نیکی انجام داده است)؛ زیرا چنین کاری برخاسته از تقوای قلب‌هاست!»

مقصود از بزرگداشت شعائر الهی، بزرگداشت نشانه‌های دین و اطاعت خداوند و آیین ابراهیم علیه السلام است که در اسلام تبلور پیدا کرده است؛ از این رو در هر زمان و هر مکان، هر کار که یاد خدا و زمینه رشد معنوی و روحی بندگان خدا را فراهم آورد، جزء شعائر الهی به شمار می‌رود و عزاداری برای بندگان خاص و خالص خداوند، که به حق، قرآن ناطق و حج مجسم بودند و برای اعتلای کلمه توحید جان خود را قربانی ساختند، از بارزترین نشانه‌ها و شعائر الهی است؛ زیرا برگزاری این مراسم، موجب فراگیری مسائل دین، یادآوری ایشارگری شهیدان بزرگ اسلام، دشمنی با دشمنان خدا و دوستی با دوستان خداست!

#### ه) عزاداری سیره پیامبر ﷺ

بر اساس روایات شیعه و سنی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با عمل و دستور خود امکان برپایی مجالس سوگواری بر شهیدان و مردگان را داده و دیگران را بر این امر تشویق کرده است؛ از جمله:

#### ۱. گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرزندش

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مرگ فرزندش ابراهیم اشک می‌ریزد و هنگامی که برخی به آن حضرت

اعتراض می‌کنند، می‌فرماید: «چشم‌ها گریان است و قلب می‌سوزد و آنچه خشم خدا را برمی‌انگیزد، نمی‌گوییم»! [۱۷]

## ۲. گریه پیامبر ﷺ بر حمزه سیدالشهدا

در جنگ احد وقتی حمزه به شهادت رسید، رسول خدا ﷺ گریه کرد و هنگامی که به مدینه بازگشت و مشاهده کرد زن‌های انصار بر کشتگان خود گریه می‌کنند، فرمود: اما حمزه گریه‌کننده و عزادار ندارد! انصار به زنانشان گفتند که بر حمزه گریه کنند و آن‌ها در خانه پیامبر بر حمزه گریه کردند و پیامبر در حق آن‌ها دعا کرد و فرمود: «خدا از شما و اولاد شما راضی باشد»! [۱۸] بعد از همین جریان اهل مدینه هرگاه می‌خواستند بر کسی گریه کنند، ابتدا بر حمزه گریه می‌کردند! [۱۹]

## ۳. گریه پیامبر ﷺ بر ابوطالب و خدیجه

پیامبر رحمت ﷺ در مرگ خدیجه رضی الله عنها و ابوطالب رضی الله عنه فرمود: «و در این روزها بر امت من دو مصیبت وارد گشته که نمی‌دانم برای کدام یک بیش‌تر جزع و بی‌تابی کنم». [۲۰] پیامبر در عزای آن دو ناله و گریه کرد. [۲۱]

## ۴. گریه پیامبر ﷺ در شهادت اصحاب

پیامبر ﷺ در شهادت زید بن حارثه، جعفر ذوالجناحین و عبدالله بن رواحه گریه کرد و دیگران را به گریه بر آن مجاهدان راه خدا تشویق کرد و فرمود: «گریه کنندگان، بر فراق افرادی مثل جعفر باید گریه کنند»! [۲۲]

## ۵. سوگواری در نگاه اهل سنت

اهل سنت همانند شیعه بر این باورند که: هنگامه شهادت حسین بن علی رضی الله عنهما، آفاق آسمان تا چندین ماه رنگ سرخ به خود گرفت و این سرخی حکایت از گریه آسمان داشته است! [۲۳]

تفتازانی از متکلمان مشهور اهل سنت می‌گوید: «ظلمی که بر اهل بیت پیامبر ﷺ رفته است را نمی‌توان پنهان کرد؛ بر این ظلمی که در نهایت شناخت بود، جمادات و حیوانات شهادت می‌دهند و نزدیک بود که زمین و آسمان بر آن گریه کنند و کوه‌ها از جا کنده شوند و صخره‌ها تکه‌تکه گردند! پس لعنت خدا بر کسی که این کار را انجام داد یا به آن راضی شد و یا در این جهت کوشید و عذاب آخرت شدیدتر و ماندگارتر است». [۲۴]

## شبهه سوم: دوگانگی محرومیت‌زدایی و تأکید بر برگزاری مراسمات عزاداری!

جمهوری اسلامی بجای بهبود زندگی توده‌های محروم، با صرف بودجه کلان دولتی برای روحانیون و مداحان، در تقویت اعتقادات عاشورایی می‌کوشد. تأکید بر حادثه عاشورا برای تحمیق توده‌ها و تقویت مشروعیت حکومت است. تأکید بسیار زیاد بر عزاداری محرم و گسترش آن به همه سال برای انحراف فکری جامعه از مسائل و مشکلات مهم به مسائل غیرمهم است!

### پاسخ شبهه

رفع محرومیت و تأمین نیازهای اقشار محروم و کم‌درآمد جامعه همواره به‌عنوان یکی از اهداف و برنامه‌های نظام مطرح بوده و هست؛ از این‌رو یکی از نخستین نهادهایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فرمان حضرت امام تأسیس گردید، کمیته امداد امام خمینی علیه السلام بود که در چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۷ تشکیل شد و به دنبال آن بنیاد مستضعفان نیز شکل گرفت و در زمینه رفع محرومیت و رسیدگی به اقشار محروم شاهد اقدامات خوب و ارزنده‌ای بوده‌ایم. هرچند تا رفع کامل محرومیت و رسیدن به نقطه مطلوب فاصله وجود دارد، اما اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته به استناد برخی کاستی‌ها و کمبودها نیاز نادیده گرفته شود.

ضرورت و اهمیت رسیدگی به محرومان و رفع محرومیت در جای خود پذیرفته و غیرقابل‌انکار است درعین حال مانع از توجه به سایر نیازها، ضرورت‌ها و مسائل کشور نیست. همان‌گونه که بی‌تردید توجه به اقشار محروم و کم‌درآمد و ریشه‌کن نمودن فقر و محرومیت برعهده نظام جمهوری اسلامی است، توجه به مسائل فرهنگی، تقویت فرهنگ و باورهای دینی، توجه به مراسمات مذهبی و... نیز از وظایف و مسئولیت‌های نظام است.

ایجاد دوگانگی و تقابل افکندن میان مسائل مختلف و طرح دوگانه‌هایی همچون رسیدگی به فقرا و محرومان و برگزاری عزاداری و مراسمات مذهبی، یا توجه به توده‌های محروم و توان دفاعی و نظامی یا تلاش برای بهبود وضعیت زندگی محرومان و اقشار کم‌درآمد و کمک به محور مقاومت و... صرف‌نظر از نیات و اهداف آن، ناشی از نگاه تک‌بعدی و سطحی‌نگری و نادیده گرفتن مسئولیت‌های نظام در سطح کلان است.



کسی منکر ضرورت رسیدگی به وضعیت محرومان و اقشار آسیب‌پذیر جامعه نیست، اما آیا این ضرورت، از اهمیت و ضرورت توجه به مسائل فرهنگی، اجتماعی، نظامی و مسئولیت‌های بین‌المللی نظام می‌کاهد. آیا رسیدگی به وضعیت محرومان و رفع فقر مهم است، ولی توجه به توان نظامی و تقویت نیروی دفاعی و بازدارندگی در مقابله با تهدیدات و دشمنان کم‌اهمیت است؟ آیا توجه به اقشار محروم جامعه مهم است، اما مقوله فرهنگ و نهادینه کردن آنکه در پرتو همین مراسمات مذهبی ایجاد می‌شود، مهم نیست؟

ضمن آنکه اساساً توجه به مقوله فرهنگ و تقویت فرهنگ دینی و مذهبی با توجه به تأکید فراوان آن نسبت به رسیدگی به محرومان و اقشار ضعیف و سیره و منش درخشان و کریمانه اهل بیت علیهم‌السلام در توجه و رسیدگی به محرومان و مستمندان، روحیه ایثار، فداکاری و انفاق را در افراد جامعه تقویت می‌نماید و در کنار برپایی این مراسمات، شاهد توجه و رسیدگی به وضعیت اقشار کم‌درآمد و بهره‌مند شدن آنها هستیم. مراسمات مذهبی و به‌ویژه عزاداری محرم، صرفاً برگزاری یک مناسک و مراسم مذهبی نبوده و تنها جنبه عبادی نداشته؛ بلکه در پرتو آن، فرهنگ، راه و رسم زندگی، سلوک اجتماعی و... در افراد جامعه نهادینه می‌گردد. اهمیت و تأکید نسبت به مراسمات مذهبی و تقویت اعتقادات عاشورایی از سوی نظام جمهوری اسلامی به دلیل ظرفیت غنی آن در تحکیم باورها و فرهنگ دینی و اندیشه‌ها و رفتار ناب اسلامی است که عدالت‌خواهی، کمک به محرومان و مستضعفان، ایثار و فداکاری و ظلم‌ستیزی را در افراد جامعه زنده می‌کند؛ از این‌رو توجه و اهمیت نسبت به مراسمات مذهبی و به‌ویژه عزاداری محرم نه تنها موجب انحراف افکار عمومی از مسائل مهم جامعه نیست؛ بلکه برعکس آنان را نسبت به مسیر صحیح جامعه و نیازها و مطالبه‌گری حساس‌تر و هوشیارتر خواهد نمود.

نتیجه اینکه ضرورت و اهمیت رسیدگی به محرومان و رفع محرومیت در جای خود پذیرفته و غیرقابل‌انکار است درعین‌حال مانع از توجه به سایر نیازها، ضرورت‌ها و مسائل کشور نیست. همان‌گونه که بی‌تردید توجه به اقشار محروم و کم‌درآمد و ریشه‌کن نمودن فقر و محرومیت برعهده نظام جمهوری اسلامی است، توجه به مسائل فرهنگی، تقویت فرهنگ و باورهای دینی، توجه به مراسمات مذهبی و... نیز از وظایف و مسئولیت‌های نظام است.



ایجاد دوگانگی و تقابل افکندن میان مسائل مختلف و طرح دوگانه‌هایی همچون رسیدگی به فقرا و محرومان و برگزاری عزاداری و مراسمات مذهبی، یا توجه به توده‌های محروم و توان دفاعی و نظامی یا تلاش برای بهبود وضعیت زندگی محرومان و اقشار کم‌درآمد و کمک به محور مقاومت و... صرف‌نظر از نیات و اهداف آن، ناشی از نگاه تک‌بعدی و سطحی‌نگری و نادیده گرفتن مسئولیت‌های نظام در سطح کلان است.

کسی منکر ضرورت رسیدگی به وضعیت محرومان و اقشار آسیب‌پذیر جامعه نیست، اما آیا این ضرورت، از اهمیت و ضرورت توجه به مسائل فرهنگی، اجتماعی، نظامی و مسئولیت‌های بین‌المللی نظام می‌کاهد.

اساساً توجه به مقوله فرهنگ و تقویت فرهنگ دینی و مذهبی با توجه به تأکید فراوان آن نسبت به رسیدگی به محرومان و اقشار ضعیف و سیره و منش درخشان و کریمانه اهل‌بیت علیهم‌السلام در توجه و رسیدگی به محرومان و مستمندان، روحیه ایثار، فداکاری و انفاق را در افراد جامعه تقویت می‌نماید.

#### شبهه چهارم: تنافی عزاداری با توصیه بر صبر

مگر آیات شریفه قرآن و روایات، همواره توصیه به صبر در برابر مصائب می‌کنند! پس این‌گونه اظهار حزن و عزاداری و جزع و گریه شیعیان برای حسین بن علی علیه‌السلام چه معنایی دارد؟

#### پاسخ شبهه

در اینکه آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام به صبر و استقامت توصیه کرده‌اند، هیچ‌جای تردید نیست مراد از آن توصیه‌ها این است که در عزاداری‌ها جزع و فزع و اظهار نارضایتی نسبت به قضا و قدر الهی، و گفتن سخنان بیهوده و باطل در هنگام مصیبت صورت نگیرد، درحالی‌که هیچ‌یک از مصادیق عزاداری (گریه، تسلیت گفتن، گرامی داشت خاطرات شهدا و...) که شیعیان دارند، چنان حالتی نداشته و منافاتی با سفارش‌های صبر ندارد.

انسان موجودی است دارای عواطف و احساسات که در حوادث و پیش‌آمدهای ناگوار و جان‌سوز، تحت تأثیر قرار گرفته و اندوهناک می‌شود و گاهی جزع و فزع و بی‌تابی و اظهار

نارضایتی می‌کند، و حتی گاهی ممکن است قلب او که مرکز احساسات و عواطف اوست ایستاده و جان ببازد «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا» (معارف: ۱۹ و ۲۰). در این راستا تنها نیروی ایمان است که از ناراحتی‌ها و اضطرابات انسان جلوگیری نموده و به او امید و آرامش می‌بخشد» (رعد: ۲۸)؛ از این رو دستورات اسلام در راستای تقویت ایمان و نیروی عقیده دور می‌زند، و راه مبارزه با پیش‌آمدهای ناگوار را نشان داده با زبان‌های مختلف به صبر و شکیبایی در برابر ناملايمات فرامی‌خواند «وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۱-۳). با بینش، امتحان و آزمایش زندگی و ناملايمات آن را جهت داده و به صابران رحمت و مغفرت و صلوات الهی را بشارت و نوید می‌دهد «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ، الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره: ۱۵۵ - ۱۵۷) و تنها صابران را هدایت یافته می‌داند.

صبر از مقامات عالی است که در تمام میدان‌های زندگی فردی و اجتماعی، جشن و عزاء، جنگ و صلح و... کاربرد دارد، لذاست که برای آن اجری بی‌پایان و مزد بی‌حساب قرار داده است «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰) و ائمه شیعه نیز بارها مردم و شیعیان را به صبر و شکیبایی توصیه و سفارش نموده‌اند، از جمله امام صادق علیه السلام که خود از گریه کنندگان برای عزای جدش حسین ابن علی علیه السلام بود، و از مصادیق اکمل صابران است، به یکی از یارانش می‌فرماید: «أَمَا إِنَّكَ إِذَا تَصَبَّرْتَ تُؤَجَّرُ» [۲۵]؛ «بدان که با صبر و مقاومت پاداش می‌بری». حال باید دید این توصیه‌ها و سفارش‌ها به صبر و بردباری با عزاداری شیعیان برای ائمه اطهار، مخصوصاً حسین بن علی علیه السلام منافات دارد یا خیر؟

اولاً باید گفت: صبری که در آیات و روایات به آن توصیه شده است اختصاص به صبر بر مصائب ندارد؛ بلکه صبر در تمام میدان‌های زندگی مطرح است و شاخص‌ترین موارد آن، در روایات ذیل آمده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ» صبر بر سه گونه است:

۱. صبر در مصائب؛

۲. صبر بر بندگی (و طاعت خداوند)؛

۳. صبر در برابر معصیت (در مقابل شهوات و تمایلات نفسانی و پرهیز از گناه).

در نتیجه این آیات فقط در مقابل بی‌صبری در مصائب قرار ندارد.

ثانیاً: باید دید مراد از صبر در این آیات و روایات چیست؟ و مصداق بی‌صبری کدام است؟ با نگاهی گذرا به آیات مذکور و آیات دیگر، این نکته به خوبی به دست می‌آید، که مراد از بی‌صبری گریه و اشک و عزاداری نیست؛ بلکه مراد جزع و فزع و اظهار سخنان بیهوده و باطل در هنگام مصیبت، و اظهار نارضایتی نسبت به قضا و قدر الهی است، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مصیبت فرزندش ابراهیم، در حالی که اشکش جاری بود فرمود: «وَإِنَّا بِكَ مَحْزُونُونَ تَبْكِي الْعَيْنُ وَ يَدْمَعُ [يَحْزَنُ] الْقَلْبُ وَ لَا نَقُولُ مَا يَسْخِطُ الرَّبَّ عَزَّ وَ جَلَّ» [۲۶]؛ «فرزندم، برای تو غمناک هستیم، چشم می‌گرید و دل می‌سوزد اما چیزی که موجب نارضایتی خداوند گردد بر زبان نمی‌آوریم». در روایات دیگر چنین آمده است «يَحْزَنُ الْقَلْبُ وَ تَدْمَعُ الْعَيْنُ وَ لَا نَقُولُ مَا يَسْخِطُ الرَّبَّ وَ إِنَّا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ لَمَحْزُونُونَ» [۲۷] بعد از دفن ابراهیم در قبرستان بقیع، برای آن کودک آن قدر گریه کرد که اشک از محاسنش جاری گردید به آن حضرت اعتراض کردند، ای رسول خدا تو دیگران را از گریه منع می‌کردی اکنون خود گریه می‌کنی؟ آن حضرت فرمود: «لَيْسَ هَذَا بُكَاءَ غَضَبٍ إِنَّمَا هَذَا رَحْمَةٌ وَ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ» این گریه خشم و نارضایتی نیست؛ بلکه گریه رحمت و رأفت است، و هر کس رحم نکند، مورد رحمت واقع نمی‌شود. معلوم می‌شود آن عزاداری و گریه‌ای مخالف صبر است که از روی غضبناکی بر قضا الهی و نارضایتی باشد نه گریه سوز و عاطفی که خود رحمت است و نشانه عاطفه و دل‌رحمی انسان است.

در نتیجه اشک و گریه برای عزیز یا عزیزان هرگز مصداق بی‌صبری نیست چراکه اسلام همیشه واقعیت‌ها را در نظر داشته و احساسات و عواطف انسان‌ها را می‌داند، مگر می‌شود انسان در مرگ فرزند و پدر... خویش اشک نریزد؟ مگر از پیامبر صلی الله علیه و آله صبورتر می‌توان یافت؟ با این حال در مرگ فرزندش اشک می‌ریزد، قلبش ناراحت است، ولی فروغ و بی‌تابی و نارضایتی نمی‌کند. پس اولین مصداق عزاداری شیعیان یعنی گریه کردن و اشک ریختن و عزای عزیز مصطفی، حسین بن علی، که قطعاً در درجه و رتبه بالاتر از ابراهیم قرار دارد، و



همچنین مظلومیت امام حسن مجتبی علیه السلام، که «سیدان اهل بهشت می باشند» [۲۸] نه تنها بی صبری نیست بلکه هماهنگی با سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز است، و خود فرمود: «مَيْتٌ لِّبَوَاكِبِي عَلَيْهِ لَا اغْرَازَ لَهُ» [۲۹] میتی که گریه کنندگان ندارد از عزت و احترام هم برخوردار نیست.

۲. دومین مصداق عزاداری برگزاری جلسات عزاداری، برای دلداری و تسلیت دادن به مصیبت زدگان و توصیه آنان به صبر است، این نحوه عزاداری که در بین عموم مسلمانان رایج است، در راستای تقویت اراده و ایمان و احترام به احساسات و عواطف بازماندگان قرار دارد و اسلام هم سفارش فرموده است که پس از مرگ مسلمانی، سایر مسلمانان جمع شده و به بازماندگان تسلی و تعزیت دهند و در آن مجالس برای ازدست رفتگان از درگاه خداوند متعال درخواست آموزش نموده و قرآن تلاوت کنند و بازماندگان را به صبر و استقامت توصیه نمایند در این باره روایات فراوانی نقل شده است. [۳۰]

از جمله امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ عَزَى مُصَابًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ آخِرِ الْمُصَابِ شَيْئٌ» کسی که مصیبت دیده‌ای را تعزیر دهد از پاداشی به مانند پاداش او برخوردار خواهد شد، بدون این که از پاداش مصیبت دیده کم شود. روشن است که با این توصیه‌ها، این مصداق هم هیچ تنافی با صبر و بردباری ندارد.

۳. بزرگداشت یاد و خاطره از دست رفتگان مصداق دیگری است برای عزاداری؛ این عزاداری‌ها در راستای بزرگداشت خاطره شهیدان، علما و اندیشمندان که با فکر و اندیشه و با نثار جان خود جامعه اسلام را حیات بخشیدند برگزار می شود، این عزاداری، افزون بر آثار و ثواب تسلی و دلداری بازماندگان، ثواب احترام به علم و عالم و شهید را دربر دارد و نشان می دهد که آن چنان که آنان در پیشگاه خداوند متعال ارزش دارند و از حیات و زندگی خاصی برخوردارند نزد مسلمانان نیز از احترام ویژه برخوردار می باشند «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» (آل عمران: ۱۶۸).

۴. نحوه دیگری از عزاداری وجود دارد که دارای مرتبه بالاتری است، این عزاداری ویژه انسان‌های بزرگ؛ یعنی پیامبران و اوصیای آنها، به ویژه پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام آن حضرت است.



عزاداری در هنگام، آن درس‌های سازنده تربیتی و اخلاقی آموخته می‌شود. امام علی علیه السلام فرمود: خداوند متعال برای ما پیروانی برگزید که ما را یاری می‌کنند «يُفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا» [۳۱] برای شادی ما شاد و برای غم ما اندوهناک می‌شوند. در فرهنگ اسلامی احترام همه شهیدان لازم است. ولی برخی شهیدان مانند سرور و سالار شهیدان کربلا از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که بر اساس دستورات رسیده، هر سال در ایام شهادت آنان مجالس و محافل عزاداری و سوگواری برگزار شده و مراسم خاصی نیز اجرا می‌گردد؛ از این رو نباید این مراسم را با عزاداری کسی که پدر یا عزیز را ازدست داده مقایسه نمود و گفت: چون خداوند توصیه به صبر نموده باید در عزای ائمه اطهار علیهم السلام چیزی نگفت و در مقابل هر آنچه ستمگران در طول تاریخ انجام داده‌اند سکوت کرد و با سکوت خود رفتار آنان را امضا نمود. آیا روح دستورات اسلام با چنین برداشتی مخالف نیست؟ و در نهایت آیا عزاداری‌هایی که برای بزرگان دین انجام می‌شود هدفی جز این را دنبال می‌کند؟!

### شبهه پنجم: تنافی عزاداری با شادی و نشاط

آیا گریه و اشک به طور دائم بر اهل بیت علیهم السلام درست است؟ و آیا اشک و اندوه و غم و ماتم، عزاداری و حزن، ناله و فغان با اصل شادابی و طراوت روح انسان منافات ندارد؟

#### پاسخ شبهه

آیین اسلام با توجه به ابعاد وجودی انسان و در نظر گرفتن نیازهای او، هرگز انسان را دعوت به رهبانیت، انزواطلبی، گریه و اشک مداوم و دوری از لذت‌های دنیوی و شادی و نشاط سفارش نکرده، از سوی دیگر نیز به شادی و نشاط افراطی و بی‌هدف و سرخوش بودن در زندگی ترغیب ننموده است. نگرش دین به این مسئله نگرشی معتدل و منطقی است. به این معنا که انسان در زندگی به هر دو نیازمند است. هرچند در آیات و روایات از کثرت خنده مذمت شده اما از زیادی گریه از خوف خدا، در اندیشه آخرت، همگامی با مصائب اهل بیت علیهم السلام تمجید شده و داشتن چشم گریان نشانه رقت قلب معرفی شده است. وجود بکائین [۳۲] در طول تاریخ نیز این اصل را تأیید می‌کند.

#### پاسخ سؤال نخست

پیشوایان دین علیهم السلام هرگز به گریه و زاری و سوگواری آنهم به صورت مدام سفارش

نفرموده‌اند و از پیروان خود نخواستند که همه فعالیت‌های زندگی را کنار گذاشته به گریه و زاری رو بیاورند؛ از این رو به پیروان خویش سفارش فرموده‌اند که اوقات شبانه‌روز را به سه بخش تقسیم نمایند، از جمله یک‌سوم از اوقات خود را به تفریحات سالم اختصاص داده، بخشی را نیز به عبادت و راز و نیاز و مناجات با خداوند بپردازند و بخشی را به کار و کوشش و کسب معاش بپردازند [۳۳]. شاهد دیگر اینکه امام صادق علیه السلام در توصیف شیعیان و پیروان خود فرمودند: آنان کسانی هستند که در غم و اندوه ما غمگین و در شادی و سرور ما شادند [۳۴]. البته در مصائب ائمه علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام با توجه به عظمت مصیبت، اگر انسان شب و روز گریه کند و به امام زمان خویش اقتدا نماید که فرمود: ای جد بزرگوار من! اگر اشک چشمم تمام شود، در مصیبت تو خون گریه می‌کنم، جا دارد و روشن است که مجالس اهل بیت علیهم السلام و زنده نگه داشتن راه و رسم زندگی آنان تنها در گریه خلاصه نشده بلکه در این مجالس است که مسلمانان با معارف غنی دین آشنا می‌شوند و پیوسته روحیه ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلوم را در خود پرورش می‌دهند. امام خمینی رحمته الله علیه نیز در این رابطه فرمودند: ما هر چه داریم از محرم و صفر است.

#### پاسخ سؤال دوم

الف) واژگان بکاء، تبسم، ضحک، سرور، فرح و فهقهه از جمله واژگانی است که در منابع دینی [۳۵] به کار رفته است [۳۶]. این واژگان بیانگر تجلی هیجانات و احساسات نهفته انسان به هنگام رویارویی با گفتار و یا رفتاری شگفت است. سرچشمه گریه و خنده، عاطفه و احساس است که در پی شوق و عشق، شکست و تنگ‌دلی، محرومیت و یأس، پیروزی و شادکامی و یا حزن و اندوه از آسمان دیدگان ریزان می‌شود [۳۷]؛ بنابراین ابراز تأثر به وسیله خنده یا گریه از نشانه‌های طبیعی و تعادل مزاج آدمی است. افرادی که هم گریه دارند و هم خنده از سلامت جسمی و روحی برخوردارند.

ب) انواع گریه:

۱. گریه شوق: در آیات (مائده: ۸۳) و روایات به گریه شوق اشاره شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام بازگشت جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه از حبشه، به استقبال او آمد و از شوق دیدارش گریست [۳۸].



۲. گریه رحم و رأفت: رسول‌خدا ﷺ در فراق فرزندش ابراهیم بسیار گریست و در اعتراض برخی از اصحاب فرمود: این گریه، گریه غضب نیست؛ بلکه سرشکی از سر رحمت و رأفت است و کسی که ترحم نکند مورد ترحم قرار نخواهد گرفت [۳۹].

۳. گریه غم و اندوه: قرآن از کسانی یاد می‌کند که به دلیل عدم توانایی مالی از شرکت در جهاد بازمانده و محروم شدند، و همین امر سبب اندوه آنان شد و اشک از چشمانشان سرازیر گشت» (توبه: ۹۲).

۴. گریه تزویر و دروغ: این نوع گریه را در داستان یوسف و برادرانش می‌توان دید» (یوسف: ۱۶).

۵. گریه پشیمانی: حضرت عیسی ﷺ فرمود: «طُوبَى لِمَنْ ... وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ» [۴۰]؛ «خوشا به حال کسی که بر لغزش‌ها و خطاهای خویش گریه کند».

گریه بیان‌کننده پیوند عاطفی افراد به یکدیگر بوده و نمودی از پیوستگی و وابستگی پیروان مکتب (امت) با امام خویش است. گریه صادقانه‌ترین و واقعی‌ترین پیام‌آور یگانگی در اهداف امت با امام است.

ج) در بخش شادی و نشاط نیز گاه از نوع خاصی از خنده، مانند قهقهه که ناشی از غفلت و خود فراموشی است، نکوهش شده است [۴۱] و در برخی از موارد که به قهقهه می‌انجامد، حکم فقهی ویژه‌ای بار شده است [۴۲]. در بعضی روایات نیز از خنده در مکان‌های خاص مانند قبرستان منع شده است؛ اما در این شکی نیست که اسلام، شادی و نشاط، سرزنده بودن و پرتحرک بودن افراد را نه تنها نکوهش نکرده که به آن توصیه نموده است و تنبلی و تن‌پروری و سر‌بار دیگران بودن را صفتی ناشایست برشمرده است.

امام علی ﷺ فرمودند: خرسندی، سرور و شادی مؤمنان به اطاعت پروردگار خواهد بود و اندوه وی بر گناهان او است [۴۳].

با تأمل در آیات و روایات به این نتیجه می‌توان دست‌یافت که شادمانی نباید به‌گونه‌ای باشد که اختیار را از دست خرد برآورد و درصدد برآوردن قوای شهوانی انسان به لابلالی‌گری، یاوه‌سرایی، یاوه‌گویی، استهزاء، تهمت و غیبت بیانجامد و به دیگر سخن ابراز شادمانی نباید سر از بی‌خیالی، بی‌تفاوتی و فرار از پذیرش مسئولیت‌ها و واقعیات زندگی درآورد و در

تضاد با ارزش‌های دینی باشد. نتیجه اینکه گریه‌ای که به افسردگی، بی‌تحریکی، رکود و انزوا بیانجامد با گریه نشاط‌آور، حرکت آفرین و پویا در بستر اجتماع تفاوت دارد و در دین ما به گریه نوع اول سفارش نشده است. با توجه به این نکات اشک و اندوه با اصل شادابی و طراوت روح انسان منافات ندارد؛ زیرا در منابع دینی مواردی به چشم می‌خورد که فرح و سرور به‌عنوان وصفی برای گریه بیان شده است [۴۴]. امام صادق علیه السلام نیز در توحید مفضل گریه را به‌عنوان یکی از موهبت‌های الهی برشمرده و به پاره‌ای از آثار آن از جمله نجات افراد از کوری، خروج رطوبت از مغز انسان که زمینه‌ساز بسیاری از دردهای وجود آدمی می‌شود، توجه داده‌اند [۴۵].

گریه بر هر درد بی‌درمان دوا است \*\*\* چشم گریان چشمه فیض خداست  
 بنابراین یکی از عوامل مؤثر و مهم در طراوت بخشیدن به روح انسان، گریه است. در مجالس روضه به‌ویژه روضه امام حسین علیه السلام و مادرشان زهرا علیها السلام بارها اتفاق افتاده است که لذت گریه را همه چشیده‌ایم و پس از پایان گریه، سرزنده بودن و سبکی روح نتیجه زیبای آن بوده است، عزاداران با شرکت خود در مراسم عزاداری نام و یاد آنان را زنده نگهداشته و با کسب نشاط روحی همیشه آماده خروش علیه ظالم و دفاع از مظلوم بودند و به تعبیر زیبای امام خمینی علیه السلام گریه بر مظلوم فریاد مقابل ظالم است؛ اما این نشاط روحی و صفای باطن در خنده برای انسان پدید می‌آید و مهم‌تر اینکه سفارش شده‌ایم که به‌وقت خنده بسیار این ذکر را بر زبان برانیم: «اللَّهُمَّ لَا تَمُقُّنِي» [۴۶]؛ «خدایا مرا دشمن مدار (و بر من غضب مکن)».

## پی نوشت

- [۱]. «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا»؛ هرگز ما بدون فرستادن رسولان و ابلاغ دستورات الهی، کسی را عذاب نمی کنیم»؛ (اسراء: ۱۵).
- [۲]. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷، باب ثواب البكاء علی مصیبة الحسین علیه السلام.
- [۳]. فیومی، مصباح المنیر، ص ۳۱۵؛ زمخشری، أساس البلاغة، ص ۲۳۶، مادة «شعر».
- [۴]. نراقی، عوائد الأيام، ص ۳۱، عانده ۳.
- [۵]. احمدشاه ولی الله محدث دهلوی، حجت الله البالغه، ص ۶۹ به نقل از اصول الاربعه فی تردید الوهابیه، صاحب جان هندی حنفی، ص ۳۰.
- [۶]. عوائد الأيام، ص ۳۱.
- [۷]. سیدمحمدحسین، طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴۱۴، ذیل آیه ۱۶۵ سورة بقره.
- [۸]. زمخشری، تفسیر کشاف، چاپ دوم، ص ۴۹۷؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۸، ص ۱۹۳، ذیل آیات ۸۴ و ۸۵ سورة یوسف.
- [۹]. همان.
- [۱۰]. علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۹، باب فی کرمه و صبره و بکائه و وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۹۲۳، باب جواز البكاء علی المیت.
- [۱۱]. ر.ک: سورة بقره؛ آل عمران؛ نساء؛ انعام؛ توبه؛ هود؛ یوسف؛ ابراهیم؛ حجر؛ نحل؛ مریم؛ انبیاء؛ نمل؛ حج؛ شعراء؛ عنکبوت؛ احزاب؛ صافات؛ ص؛ شوری؛ زخرف؛ ذاریات؛ نجم؛ حدید؛ ممتحنه؛ أعلى؛ سبأ؛ مائده؛ صف؛ أعراف؛ یونس؛ کهف؛ مؤمنون؛ قصص و ...
- [۱۲]. ر.ک: سورة کهف؛ لقمان و ...
- [۱۳]. محمد محمدی شهری، میزان الحکمة، قم: نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۴، ج ۹، ص ۸۱.
- [۱۴]. ر.ک: محمد بخاری، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۳؛ مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، ج ۷، ص ۱۶۳.
- [۱۵]. ر.ک: «وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ»؛ (یوسف: ۸۴).



- [۱۶]. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۲۸۷.
- [۱۷]. محمد بخاری، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۰۵.
- [۱۸]. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دارالصادر، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۲۰.
- [۱۹]. همان، ج ۲، ص ۴۱.
- [۲۰]. ابن واضح یعقوبی؛ تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چاپ سوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی آموزش عالی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹۴.
- [۲۱]. همان.
- [۲۲]. احمد بلاذری، أنساب الأشراف، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۴۸۸.
- [۲۳]. ر.ک: سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور، جده: دارالمعرفة، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۳۱.
- [۲۴]. سعدالدين مسعود تفتازانی، شرح المقاصد فی علم الکلام، پاکستان: دارالنعمانية، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۰۷.
- [۲۵]. حرعاملی، وسائل الشیعة، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۹۱۳.
- [۲۶]. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، چاپ سوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ۱۹۸۳م، ج ۷۹، ص ۹۰، ذیل روایت ۴۳.
- [۲۷]. همان.
- [۲۸]. ر.ک: شیخ مفید، الإرشاد (مکتبه بصیرتی).
- [۲۹]. المأساة الحسین، ص ۱۱۸.
- [۳۰]. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۷۱.
- [۳۱]. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷، باب ثواب الكباء علی المصیبه الحسین علیه السلام.
- [۳۲]. بکائین کسانی هستند که به دلیل گریه بسیار به این لقب مشهور شده‌اند. از جمله این افراد می‌توان از حضرت یعقوب علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت سجاد علیه السلام نام برد.
- [۳۳]. ابن‌أبی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ب ۳۹۶، ص ۳۳۸.

[۳۴]. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۴، ب ۳۴، ح ۲۶، ص ۲۸۷ و ص ۲۹۰؛ ب ۱۴، ح ۳، ص ۱۰۲ و ...

[۳۵]. از جمله می‌توان به این آیات اشاره کرد: نمل: ۱۹؛ هود: ۷۱؛ بقره: ۶۹؛ روم: ۴؛ انسان: ۱۱، توبه: ۸۱ و ...

[۳۶]. ر. ک به: الطریحی، مجمع البحرین، ج ۱، المكتبه المرتضویه، ۱۳۶۲، ص ۵۸؛ علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۲۲۱؛ همان، ج ۳، ص ۲۵۴ و ج ۴، ص ۱۷۲.

[۳۷]. احمد لقمانی، نگاهی نو در آینه معارف به: خنده، شوخی، شادمانی، قم: سابقون، ۱۳۸۰.

[۳۸]. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲۱، ب ۲۴، ح ۱۱، ص ۶۳.

[۳۹]. همان، ج ۲۲، ب ۱، ح ۱، ص ۱۵۱.

[۴۰]. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۴، ب ۲۱، ح ۲۳، ص ۳۱۹.

[۴۱]. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ح ۱۰، ص ۶۶۴.

[۴۲]. ر. ک: کلینی، اصول کافی، ج ۳، ح ۱، ص ۳۴۶ و ح ۶، ص ۳۶۴؛ «و اما القهقهه فهی تقطع الصلاه».

[۴۳]. تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۱۳۶.

[۴۴]. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲۱، ب ۲۵، ح ۵، ص ۷۹ و ح ۶، ص ۸۱؛ «...فبکی امیرالمؤمنین علیه السلام فرحا».

[۴۵]. ر. ک: نجفعلی میرزایی، توحید مفضل شگفتی‌های آفرینش، قم: هجرت، ۱۳۷۳، ص ۵۱.

[۴۶]. علی‌بن عیسی اربلی، کشف الغمة، تهران: نور محبت، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۲۹.